ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۲/۱۶ | اذان مغرب ۱۸/۱۸ | نیمه شب شرعی ۲۳/۳۵ | اذان صبح فردا ۵/۰۹ | طلوع آفتاب فردا ۶/۳۲

سخن روز

امام هادی(ع):
هر که دوستی و نظر نهایی‌اش را برای تو همه‌جانبه گرداند، طاعتت را برای او همه‌جانبه گردان.
تحف العقول، ص۴۸۳

عاشق روزنامه‌نگاری هستم

فریدون جیرانی: هروقت احساس می‌کنم آمادگی فیلمسازی ندارم کار روزنامه‌نگاری انجام می‌دهم، تحقیقاتم را کامل می‌کنم، مصاحبه‌های تاریخ سینما می‌خوانم و یا فکر می‌کنم که کار مطبوعاتی انجام بدهم و به همین شکل توانستم شکست‌ها و مشکلات را تحمل کنم. دوست داشتم فیلمنامه‌نویس شوم و هدفم فیلمنامه‌نویسی بود که از «آفتاب‌نشین‌ها» شروع شد و ادامه پیدا کرد تا رسید به فیلم‌های «پرونده» و «رهایی» و بعد از رهایی به‌دلیل اینکه از روزنامه بازخرید شده بودم، فیلمنامه «سناتور» را نوشتم. من معمولاً نقش‌ها را طوری می‌نویسم که امکان بازی داشته باشند و بتوانیم سر صحنه با بازیگرها ارتباط قوی‌تری بگیریم. معتقدم لیلا حاتمی و آتیلا پسیانی در فیلم «آب‌وآتش» و در فیلم «شام‌آخر» کتایون ریاحی بهترین نقش‌هایشان را ارائه دادند. «قرمز»، «آب‌وآتش» و «شام‌آخر» سه‌گانه‌ای بودند که من را مطرح کردند.

بخشی از صحبت‌های این کارگردان در سلسله نشست‌های تاریخ شفاهی موزه سینما

روحیه‌اش سال‌هاست عوض نمی‌شود. دوجور روحیه برای خودش دوخته است. یک روحیه صورتش را می‌پوشاند، دیگری دلش را.

علائم حیاتی یک زن
لادن نیکنام

نـــگاره
نیما شاه‌میری

لزوم تزریق دوز سوم واکسن جهت ایمنی بیشتر

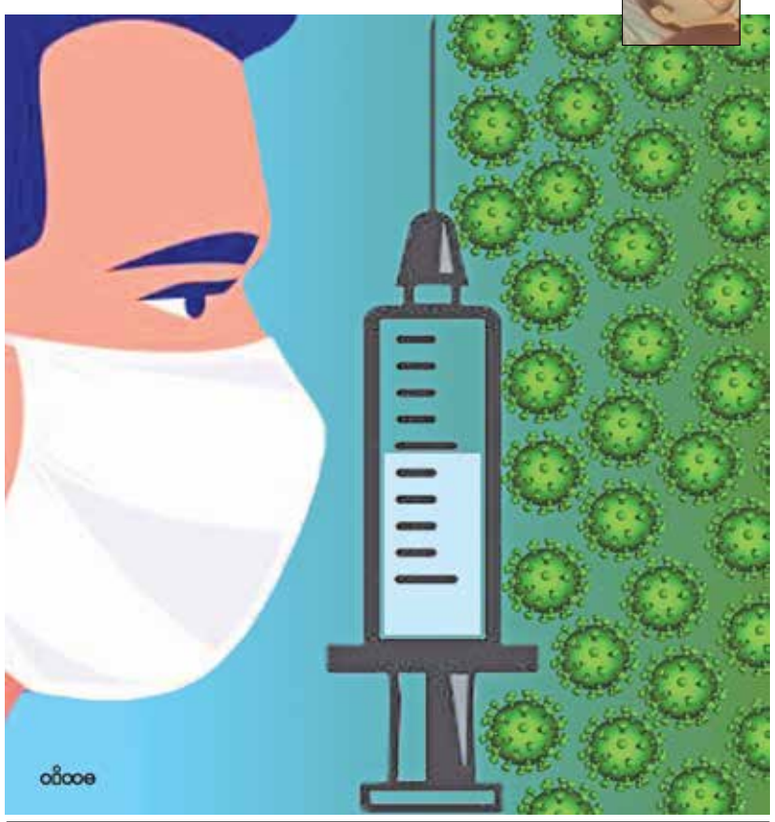

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش...

یادداشت

محسن نفر
نوازنده و آهنگساز

موسیقی

صحبت از این موضوع و شاید بایسته تر، این هنر، سهل و ممتنع است. چرا؟ براستی چرا صحبت از موسیقی سهل و ممتنع است؟! مگر موسیقی چیست که گفتن و خواندن از آن، ممکن و محال و شایسته‌تر، آسان و سخت است؟! موسیقی موضوعی پرحاشیه و پرحرف و حدیث و در عین حال با تاریخی پرفراز و نشیب است! این خصوصیات در ایرانِ عزیز ما، بیشتر محسوس بوده و است!

اصلاً موسیقی چیست و چرا هست؟

موسیقی، آوا و نوایی خوش است که احساس و ادراک زیبایی دوستی و زیبا شناسی ما را حساس و فعال می‌کند. موسیقی، نتیجه واکنش این احساس در درون ماست! مانند غذا که نتیجه واکنش احساس گرسنگی و هوا که نتیجه واکنش احساس نیازمندی به تنفس درماست. اگر احساس تنفس و نیاز به آن در ما نبود، حتماً هوا نبود. یا بهتر بگوییم، در سیاره محل زیست ما لازم نبود هوا باشد، البته مقایسه اهمیت وجود هوا وغذا با موسیقی، مقایسه همسطح و معادلی نیست! زیرا بدون آنها حیات و زندگی محال است، ولی بدون وجود موسیقی، اینگونه نیست. هوا و غذا برای زیست بیولوژیک و فیزیولوژیک انسان و سایر موجودات ضروری است. در حالی که موسیقی و امور ذوقی، زیست روحی و روانی ما را تأمین می‌کند. بدون شادابی و طراوت روحی و روانی، زندگی بیولوژیک و نباتی به بن‌بست می‌رسد ودچار مشکلات عدیده می‌شود. انسان بدون روحیه یعنی سوخت مصرف و تقویت روح نمی‌تواند زندگی بیولوژیک و جسمانی خود را ادامه دهد.

موسیقی، هنر، ورزش، تفریح، سرگرمی، امور و فعالیت‌های فرهنگی، مطالعه و هر کاری که در تأمین روحیه یعنی تأمین سوخت و انرژی روح، مؤثر و مفید و کارا است، برای زندگی بیولوژیک ومادی و پرتنش این روزگار با بحران‌های متعدد و ریز و درشت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و بزرگترین بحران دوسال اخیر، کرونا که جهان را تحت تأثیر نحوست و زحمت و مشقت خود قرار داده، ضروری است. موسیقی برای ایجاد روحیه انسان، مهم و شاید ضروری است. در اهمیت وجودش، اینکه بار سنگین زندگی پرتنش و پر از مشکل در این روزگار را سبک و قابل تحمل می‌کند. این سبکباری، تنها به‌دلیل ایجاد نشاط و شادی و طراوت نیست، بلکه درغمگساری و سبک کردن بار اندوه با جاری کردن سرشک غم، سهیم و دخیل است! پس ایجاد روحیه، صرفاً با ایجاد نشاط و شادی نیست، بلکه غمگساری و همدلی هم درآن بسیاراهمیت دارد. حال آیا جای این سؤال است که هرچه به‌عنوان موسیقی شناخته می‌شود وهست، چُنین است؟ مانند اینکه بگوییم، دارو که برای درمان و شفای بیمار تهیه و فراهم می‌شود، همیشه چنین است و می‌توان کلاً و به‌طور مطلق ازآن استفاده کرد! جواب منفی است!هرگز چنین نیست!

افراط و تفریط به هرصورت و دلیل، اشتباه و مردود است. بدیهی است افراط درهرکار، تفریط در بخش‌های دیگراست. امور ذوقی و موسیقی هم ازاین قاعده مستثنی نیست، ضمن اینکه افراط درهرکار، موجب دلزدگی و نفرت هم می‌شود. تنها یک مورد است که افراط درآن، مقبول تر و مطبوع تر است، آن هم مسأله عشق است. بشر در عشق و پیشروی درآن، حد و مرزنمی شناسد و این موضوع برایش توقف نمی‌گذارد. به تعبیر دیگر، عشق حد یقِف ندارد!

خب آری چنین است ،ولی این موضوع چه ربطی به موسیقی دارد؟ این ربط که بعضی به موسیقی، هنر و امور ذوقی عشق دارند و به آنها عشق می‌ورزند! آنها فعالین وهنرمندان این عرصه هستند. اصولاً شاغلین هنر و هر کسی که شغلش را هنر انتخاب کرده، از روی عشق و با عشق به آن مشغول است و بدون آن اصلاً نمی‌توانسته بدان مشغول باشد. عشق به هنر و موسیقی، عشقی بسیار داغ وجذاب است و دراین عرصه‌ها، تاریخ، عاشقانِ حقیقی و نمونه‌ای سراغ دارد؛ کسانی که تمام عمر در راه و کار هنر و موسیقی بودند و از فقر و ناملایمات و ناکامی ها بسیار برخوردار.

عشق به موسیقی از خود موسیقی بر می‌خیزد. موسیقی شرح هجران می‌کند. موسیقی یا قصه فُرقت و جدایی است یا اشتیاق دیدار.غم و شادی درموسیقی که رنگ غالب همه آثار موسیقی است براین اصل استواراست. هجران آدمی ازآفریدگارش و اشتیاق وصلش به او، در موسیقی به نوا و آوا می‌آید. این رمز و علت علاقه به موسیقی است. اگرهمگان موسیقی را دوست دارند برای آن است که قصه جدایی و شوق وصل خود را درآن می‌یابند. این همذات پنداری و آن خویشتن بینی، علت گرایش و علاقه به موسیقی است.

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش / بازجوید روزگار وصل خویش

مجموعه سؤالات بیهوده

ضدآفتاب مرغوب

بهاءالدین مرشدی
داستان‌نویس

این روزها دارم یک سریال می‌بینم که اسمش هست «۱۸۸۳» به کارگردانی تیلور شریدان. ژانرش هم هیجانی است و وسترن و اتفاقاتش هم مربوط است به وقایع پیش از سریال «یلواستون». حالا این اطلاعات را دادم که برسم به سریال وسترن این روزها. وسترن البته دوست دارم. اما چیزی که در این سریال تولید نتفلیکس توجهم را جلب کرده نه موضوع است و نه جذابیت سریال است و نه هیچ چیز دیگر آن. فقط چند تا سؤال برایم پیش آمده که دلم می‌خواهد یکی به آن جواب بدهد. یک نقلی هست از عرفی شیرازی که در آخر عمر به او می‌گویند وصیت چه داری؟ او می‌گوید چند نکته در باب هستی هست که همیشه برایم سؤال بوده است. بعد هم می‌گوید: نمی‌دانم چرا مردم می‌گویند صدای بلبل زیباست؟ بعد جواب خودش را دارد این آقای عرفی. می‌گوید: هرچه فکر می‌کنم می‌بینم وقتی صدای بلبل را زیاد گوش کنید خیلی هم زشت است. سؤال بعدی‌اش این است که می‌گوید: نمی‌دانم چرا مردم می‌گویند صدای خر زشت است. درحالی که صدای خر خیلی هم زیباست. یا نمی‌دانم چرا می‌گویند پای طاووس زشت است؟ خیلی هم پای طاووس زیباست.

حالا سؤالات من هم درباره این فیلم و خیلی چیزهای دیگر مثل سؤال‌های عرفی شیرازی در پایان زندگی است. اولش اینکه چرا دارم این سریال را نگاه می‌کنم؟ البته پاسخم به این پرسش این است که بالاخره سریال دیگری دم دستم نیست که ببینم. سؤال بعدی که از همه سؤال‌ها مهم‌تر است اینکه در این سریالی که وقایعش ۱۸ سال بعد از ۱۸۸۳ می‌گذرد و در سال ۱۹۰۰ میلادی بسر می‌بریم چطور دندان‌های شخصیت‌ها این‌قدر سفید است؟ اصلاً دندان‌های شخصیت‌ها برق می‌زند از سفیدی. بعد می‌مانم که خب یعنی همه بازیگرهایی که دندان‌های‌شان را اینقدر سفید کرده‌اند اگر در سال ۱۹۰۰ زندگی می‌کردند هم اینقدر دندان‌های‌شان سفید بود؟ البته مسأله دندان همیشه برای من مهم بوده است. چون از بچگی در دندانپزشکی بسر برده‌ام و یک دندان سالم در دهان ندارم. طبیعی است که به آدم‌های سال ۱۹۰۰ غبطه بخورم که با آن‌همه عدم امکانات اینطوری دندان‌های‌شان برق می‌زند.

سؤال بعدی‌ام این است که در آن سال‌ها بوتاکس بوده که شخصیت‌ها بوتاکس کنند و جلوی دوربین بیایند؟ خب قطعاً نمی‌توانسته وجود داشته باشد اما این پرسش برای من باقی است که واقعاً چطور می‌شود آن‌همه خرج کرد و سریال ساخت ولی به این چیزها توجه نداشت. یا شاید بازیگر زن سریال گفته من اینطوری باید دیده شوم وگرنه بازی نمی‌کنم. مثل خیلی از بازیگرهای ایرانی که استایل جلوی دوربین‌شان برای‌شان مهم است و فکر می‌کنند هرچه مرتب‌تر ،دلفریب‌تر و دلبرباتر باشند باشخصیت‌تر هستند. اما خب بعید می‌دانم بازیگرهای این سریال به این چیزها فکر کرده باشند. اما واقعاً این سؤال برای من مهم است.

البته از این دست سؤال‌ها در زندگی‌ام زیاد است. مثلاً چطور آدم‌ها وقتی کنار هم نشسته‌اند بلند حرف می‌زنند؟ اصلاً این روزها این سؤالات برایم زیاد پیش آمده است. اما به سریال بپردازم. این سریال دیدنش بد نیست. شما را سرگرم می‌کند و امریکای وحشی آن سال‌ها را نشان می‌دهد که دارد سفری در تمدن پیش می‌گیرد. تمدنی که در کنار هم قرار گرفتن مردمان سرزمین‌های دیگر شکل می‌گیرد اما غرب وحشی در آن سال‌ها تصویری هولناک است.

سفر به دنیای کهن با نگاهی تازه

پیشنهاد

فاطمه علی اصغر
ناشر

در دنیای امروز سفر دیگر امری قضا و قدری نیست؛ برای سفری که پخته شود خامی، نیاز به راهنما وجود دارد تا با توجه به حس‌ها، خواسته‌ها، زمینه مطالعاتی و تخصصی که دارید شما را به مقصد مطلوبتان برساند. انتشارات «دادکین» (انتشارات تخصصی میراث فرهنگی و گردشگری) به همین منظور کتاب «باستان‌گردی در ایران»، راهنمای گردشگران جهان را به همین منظور در آستانه سال نو ۱۴۰۱ منتشر کرده است. این کتاب را سارا جاوری، پژوهشگر و راهنمای گردشگری نوشته است. کتابی دو زبانه (انگلیسی و فارسی) برای مسافرانی که در هر کجای جهان می‌خواهند سفری به دنیای باستان ایران داشته باشند. همواره برای بسیاری از مردم علاقه‌مند به تاریخ ایران سؤال است، دنیای باستان چه دوره‌ای از ایران را شامل می‌شود؟ هخامنشیان؟ ساسانیان؟ مادها و... یا ممکن است بپرسند اگر ما ایران باشکوه باستانی را بخواهیم ببینیم به کجاها باید سفر کنیم تا این ابهت را درک کنیم، البته که همه تخت جمشید و پاسارگاد را می‌شناسند اما کتاب باستان‌گردی در ایران به این سؤال فراتر جواب می‌دهد. از دیگر محوطه‌های باستانی ایران هم می‌گوید تا اگر دوست داشتید با نگاهی تازه به این دنیای کهن سفر کنید.

در مقدمه این کتاب آمده: «ایران، کشورِ به خاطر قدمت و تاریخ کهن خود دارای مکان‌ها، بناهای تاریخی و میراث فرهنگی عظیمی است که سرتاسر ایران را فراگرفته‌اند و در هر گوشه‌ای از سرزمین‌مان مانند نگینی بربلندای آسمان تاریخی آن می‌درخشند. این بناهای تاریخی به گونه‌ای هستند که ایران، در فهرست کمیته میراث جهانی یونسکو با ۲۴ اثر تاریخی رتبه دهم را به خود اختصاص داده است. بسیاری از این محوطه‌ها در فهرست آثار میراث جهانی یونسکو ثبت شده‌اند و جامعه بین‌المللی ایران را با این آثار و محوطه‌های کم‌نظیر می‌شناسد.»

در این کتاب با هم همراه می‌شویم تا به محوطه‌های جهانی چغازنبیل برویم و با میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی پرسپولیس، تخت سلیمان، ارگ بم، پاسارگاد، مجموعه بیستون، بازه‌های آبی شوشتر، شهر سوخته سیستان، روستای میمند، شهر باستانی شوش و چشم‌انداز باستان‌شناسی فارس آشنا شویم. این کتاب در ۲۰۸ صفحه با عکس‌هایی کمتر دیده شده از این محوطه‌های باستانی (رنگی و گلاسه) تهیه شده است.

■ باستان‌گردی در ایران
■ نویسنده: سارا جاوری
■ دادکین

خروج از کلیشه های زندگی/۴

انعطاف‌پذیری در مقابل کلیشه‌ها

یک فنجان چای

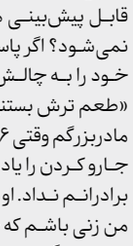

آزاده سهرابی
روانشناس

کلیشه‌های زندگی، ما را تنبل می‌کند! کلیشه‌ها تفکر بدیع و مبتکرانه را قربانی می‌کند و در یک کلام قابل پیش‌بینی‌ها را جایگزین خلاقیت‌ها قرار می‌دهد.
وقتی شما بر پایه کلیشه‌های زندگی رفتار می‌کنید به معنایی انگار در سیطره کامل ناخودآگاه قرار دارید و در زندگی شما دایره کمی از خودآگاهی و حتی خودتمرکزی وجود دارد. وقتی از شما پرسیده می‌شود بستنی چه مزه‌ای دارد شاید بدون مکث بگویید شیرین است. این یعنی شما همچنان در تفکر کلیشه‌ای قرار دارید. شاید برای همین است که آمدن بستنی‌های لواشکی که مزه‌هایی ترش داشتند، خلق شدند تا با ضدکلیشه عمل کردن، مخاطب را جذب کنند. حالا شاید در ذهن خیلی‌ها که بستنی با طعم ترش را هم تجربه کرده‌اند دیگر پاسخ مزه بستنی چیست، لزوماً شیرین نباشد. حالا تصور کنید بخش عمده زندگی ما را کلیشه‌هایی تشکیل بدهند که از قبل قابل پیش‌بینی هستند! زندگی کسالت باری نمی‌شود؟ اگر پاسخ به سؤال‌ها یا تفکرات قالبی خود را به چالش بکشید آیا می‌توانیم به یک «طعم ترش بستنی» برسیم؟
مادربزرگم وقتی ۶ ساله بودم به من نحوه درست جارو کردن را یاد داد ولی هرگز این آموزش را به برادرانم نداد. او شاید تصور هم نمی‌کرد روزی من زنی باشم که خارج از خانه هم مسئولیتی به عهده می‌گیرد و برادرانم لازم داشته باشند جارو کشیدن را یاد بگیرند تا از پس زندگی مستقل یا همراهی همسرانشان بر بیایند. این کلیشه‌ها آنقدر قدرتمند است که هنوز هم با اینکه فضای جامعه در زمینه تقسیم مسئولیت‌های سنتی زن و مرد دید بازتری پیدا کرده است، اما همچنان مهارت‌های زندگی که به کودکان پسر یا دختر آموزش داده می‌شود دارای تبعیض‌هایی است. قدرت کلیشه‌ها همین قدر بالاست. هنوز هم اگر زنی را آچار به دست ببینیم تعجب می‌کنیم! با اینکه بسیاری از آشپزان مطرح دنیا مرد هستند اما اگر میهمانی برویم که اعلام شود غذاها دستپخت مرد خانه است متعجب می‌شویم! در واقع ما در ذهنمان در حال قضاوت هستیم و برای همین است که دچار تعجب می‌شویم چون آنچه می‌بینیم و می‌شنویم با پیش‌بینی ذهن ما سازگار نیست.
نقطه مقابل شخصیت‌هایی که با کلیشه‌ها مدام در حال قضاوت زندگی و دیگران است چیست؟ شخصیت‌های توسعه یافته که به گسترش تفکر خود در همه ابعاد زندگی دست می‌زنند. کسانی که خود را در قالبی رفتاری و فکری حبس نمی‌کنند و دارای انعطاف‌پذیری روان شناختی هستند.
انعطاف‌پذیری روانشناختی یعنی فرد مدام خود را برای اتصال با اینجا و اکنون به روز می‌کند و می‌تواند بنا بر داده‌های امروزی و نه پیش‌داوری‌ها دست به ارزیابی بزند. اما اینکه چرا ما عموماً کلیشه‌ها را انتخاب می‌کنیم هم دلایل روان شناختی زیادی دارد؛ مهم‌ترینش این است که امر تکراری کمتر اضطراب‌آفرین است در حالی که ساختن تکلیف جدید اضطراب‌آور است.
شاید فکر کنیم چرا باید امری اضطراب‌آور را در مقابل امری که ما را به ساحل آرامش بیشتری می‌برد ترجیح دهیم. واقعیت این است که اجتناب مداوم از تکلیف جدید و بیرون آمدن از کلیشه‌ها ما را تنبل خواهد کرد و ما را از توسعه خود دور می‌کند در حالی که میل ذاتی انسان به سمت خودشکوفایی و توسعه «خود» است. یعنی این اجتناب‌ها در نهایت به‌دلیل در تعارض قرار گرفتن با ذات انسان، خود اضطراب بنیادی‌تری را ایجاد می‌کند. شاید برای تمرین نیازی نباشد روی موضوعات بزرگی فکر کنیم و از تغییر در همین کلیشه‌های ساده زندگی، شروع به ورزیده کردن تفکر و رفتارمان کنیم!

هنرمندان در فضای مجازی

معرفی فعالیت‌های هنرمندان درفضای مجازی از جمله کارهای اهالی فرهنگ و هنر است که همچنان در فضای مجازی با مخاطبان خود به اشتراک می‌گذارند.

■ **یاد او**

امروز مصادف است با سالروز تولد مرتضی حنانه، موسیقیدان و آهنگساز ایرانی. حنانه یازدهم اسفند ۱۳۰۱ در تهران متولد شد. او برای فیلم‌هایی همچون «فرار از تله»، «گرگ بیزار»، «قصه ماهان»، «سلام سرزمین من»، «موج»، «گلیم» و «تیرباران» موسیقی نوشته است. موسیقی سریال‌های تلویزیونی «هزاردستان» از کارهای او است که آن را براساس پیش‌درآمدی دراصفهان از مرتضی نی‌داوود نوشته است.

■ **چهره ها**

شهرام مکری، کارگردان «جنایت بی‌دقت» به همراه سه فیلم دیگرش یعنی «ماهی و گربه»، «اشکان، انگشتر متبرک و چند داستان دیگر» و «هجوم» به مدت چهار روز در آکادمی فیلم و هنر بروکلین نیویورک حضور خواهد داشت. مکری این خبر را در صفحه مجازی خود منتشر کرده و نوشته است: «آکادمی فیلم و هنر بروکلین مرکزی است با قدمتی صد و پنجاه ساله که به خاطر معرفی و تمرکز بر آثار نوآر و مدرن مشهور است.»

علی قمصری هم در ادامه پروژه تار ایرانی و در سفر به استان البرز، خبر از انتشار اثر «البرز» داده که در دستگاه شور است و آورده این کار به گوشه‌های درآمد، رهاب، سلمک، شهناز، رضوی، اوج و با نگاهی به ریتم‌های کردی و خراسانی اشاره دارد.

بیوک ملکی، شاعر و نقاش این روزها نمایشگاه «مدام آباد» را در گالری هنر گویه برپا کرده است. خانه هنر گویه مجموعه نقاشی‌های بیوک ملکی را به نمایش می‌گذارد. این نمایشگاه که عنوان آن «مدام آباد» است خبری است که او در صفحه خود منتشر کرده است. این مجموعه از نقاشی‌های بیوک ملکی حاصل رجعت دوباره او به نقاشی در دوران همه‌گیری کرونا، پس از ده سال وقفه است.

■ **دیگه چه خبر**

فردا پنجشنبه ۱۲ اسفندماه آلبوم «شاید هرگز تو را نبینم» اثر صبا علیزاده رونمایی می‌شود؛ خبری که این آهنگساز در صفحه مجازی خود منتشر کرده است این اثر تیر ماه امسال در پلتفرم‌های جهانی موسیقی منتشر شد.

نمایشنامه «آخرین حکایت فرهاد» به چاپ دوم رسید. این خبر را مهدی میرباقری در صفحه خود منتشر کرده است. او در این باره نوشته: «آخرین حکایت فرهاد را سال ۱۳۹۰ نوشتم و انتشارات نمایش دو چاپ از این کتاب را همان سال منتشر کرد تا سال ۱۳۹۵ که نشر افراز، نسخه جدیدی از نمایشنامه را در مجموعه ایران این روزها درآورد. حالا ویراست دوم در نشر افراز با ویرایشی مفصل به چاپ رسیده است... چاپ نمایشنامه در این مجموعه باعث افتخار هر نمایشنامه‌نویسی بود.»

■ **دنیای نشر**

فرهاد قربان‌زاده ربطی، مترجم کتاب «اندیشیدن به فلسطین» نوشته رونیت لنتین، در صفحه شخصی خود درباره این کتاب آورده است: «اندیشیدن به فلسطین» عنوان کتابی است که در آن مجموعه مقالاتی از نویسندگان مطرح شرق و غرب از جمله ایلان پایه، ساری حنفی، لاله خلیلی، رونیت لنتین و دیگران به سرویراستاری رونیت لنتین گردآوری شده است... این کتاب یک اثر آکادمیک و تئوریک است و در این کتاب با طیف وسیعی از ابزارهای مفهومی از قبیل امر سیاسی، تصمیم‌گرایی، زیست سیاست، مرگ سیاست وبه مواردی از این دست اشاره و موضوع اشغال استعماری فلسطین بررسی شده است.»

نشر افق در تازه‌ترین فعالیت‌هایش، تعدادی کتاب ویژه کودکان در رده‌های سنی مختلف را معرفی کرده که باید قبل از ۶ سالگی برای فرزندان خوانده شود که شامل «دنیای پیا»، «آرچی کوچولو»، «وگی ورجه»، «مثل آب نبات»، «صدای چی بود؟» و... است و در کنار آن اشاره داشته: «چه زمانی کتاب خواندن برای فرزندم را شروع کنم؟»

■ **عکس یادگاری**

سهراب پورناظری عکسی منتشر کرده به همراه استاد کیخسرو پورناظری و در این باره نوشته: «پانزده سال پیش تئاتر شهر پاریس همراه با حضرت پدر، استاد نوربخش و برادرجان.»

عکس نوشت

برای اولین‌بار تصویری از سریال «عقرب عاشق» به کارگردانی حسین سهیلی‌زاده و تهیه‌کنندگی سیدرضا محقق ارائه شد که در آن محمدرضا فروتن به ایفای نقش پرداخته است. این فیلم دومین همکاری مشترک محمدرضا فروتن و حسین سهیلی‌زاده و اولین همکاری این بازیگر با سیدرضا محقق است.